مقطع تحصیلی:کاردانی■کارشناسی□ رشته: کاردانی حرفه ای معماری ترم:..۱.سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: انسان،طبیعت،معماری داخلی.. نام ونام خانوادگی مدرس:... حدیث داوده....

آدرس emailمدرس:....hadisdavoodeh@yahoo.com.....تلفن همراه مدرس:۰۹۳۷۲۵۵۴۸۸۳

جزوه درسانسان،طبیعت،معماری داخلیمربوط به هفته : چهارم■

text: دارد□ ندارد□ voice:دارد□ ندارد■ power point:دارد□ ندارد■

تلفن همراه مدیر گروه : .....

صفحه های زیر برگرفته از جزوه انسان،طبیعت،معماری داخلیکه به صورت pdf در اختیار دانشگاه قرار داده شده در صورت تمایل از جزوه اصلی استفاده شود.

معماری و گرایش به انتزاع

هگل فیلسوف آلمانی در زیبایی شناسی خود، نظریه ارسطو مبنی بر تقلید از طبیعت را، محکوم می‌کند. به نظر وی تکرار و یا دوباره سازی ظواهر طبیعت عملی بیهود و زاید است. او می‌گوید چه نیازی به دیدن شکل حیوان، منظره و حوادث زندگی انسان بر پرده نقاشی داریم. این صحنه ها را بارها دیده‌ایم و می‌شناسیم. این کوشش بیفایده بازی مغرورانه ای است که فرآورده آن پست تر از آنی است که خود طبیعت به ما نشان می‌دهد. این نظریه در زمانی ابراز شد که با اولین پیروزیهای بزرگ علوم تصویر واقعی طبیعت نقش مهمی پیدا کرده بود و هنرمندان اروپا کورکورانه از سنتهای کهن پیروی می‌کردند و حتی ارزشهای هنری رنسانس را فراموش کرده‌بودند.

در حقیقت در هنر پیش از رنسانس ایتالیا مشکل بتوان اثری را سراغ گرفت که به نحوی از انحاء از واقعیت دور نشده باشد و در قرن شانزدهم، بیشتر به سبب اشتباه در شناختن قصد و غرض هنر کلاسیک بازنمایی طبیعت به شکل واقعی خود رواج پیدا کرد. اما این کار دیری نپایید. در قرنهای

18

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.

هفدهم و هجدهم به دلایل مختلف تصور رونسانی هنر را رها کردند و فقی در قرن نوزدهم این بازنمایی واقعیت بار دیگر رایج گردید.

تقلید از طبیعت در نیه اول قرن نوزدهم،دلایل جدید پیدا کرده بود. در این زمان در مقابل شهرهای صنعتی واکنشهای فرهنگی شدید به وجود آمده بود و نقاشی از طبیعت و از جملیه نقاشی« رمانتیک» چیزی جز وسیله‌ای برای فرار از برهم ریختگی و زشتی شهرهای صنعتی نبود . آنها با وفاداری آشکاری نسبت به طبیعت زیبایی آن را به صورت ایده‌آل مجسم می‌کنند. طبیعتی که هنوز بشر و صنعتش به آن دست نینداخته است. به همین دلیل نقش‌های «کورو» و « ترنر» در بیان خود با حرارتی بسیار و هیجانی شدید به جانب طبیعت می‌گردانید و به نقاشی از درختان،ابرها و صخره‌های می‌پردازند. توجه « دلاکروا» به محیطهای عجیب و یا مناظر غیرعادی مانند منظره آلپ، مسلماً نتیجه تنفر وی نسبت به محیط شهرهای صنعتی است. بنابراین، تجدید علاقه هنرمندان نسبت به دوران قبل از رافائل انگیزه دیگری جز فرار است زمان حال که به نظر غمگین و پر هرج و مرج می‌آید، ندارد.

با پیدایش دوربین عکاسی در اواخر قرن نوزده میلادی « بودلر» شاعر فرانسوی بار دیگر هنرمندان را از رقابت با طبیعت و تکرار عینیات بر حزر داشت و خاطرنشان ساخت که: فرآورده‌های هنری انسان اندیشمند نباید همپایه فرآورده جعبه‌ای باشد که به یک عدسی مجهز است و هرچه را که در برابر می-بیند تجسم می‌بخشد. این هشدار موجب پیدایش نهضت امپرسیونیسم و تحولات پی در پی در هنرها شد.

از جمله کسانی که در پدید آمدن هنر مدرن نقشی اساسی داشت« جان راسکین» بود. اگر چه او مستقیماً به کار « هنرهای کاربردی» نمی پرداخت، تعلیمات او درباره « هنرهای کاربردی» اثری مسلم و محرز بر جنبشی داشت که بعداً به وجود آمد. راسکین یک نویسنده و متفکر بود که به تمام حقایق موجود در دنیا متوجه بود. او نسبت به سیاست، اقتصاد، هنر، جغرافی، زمین شناسی، گیاه‌شناسی، و مباحث دیگر علاقمند است. و به قول یکی از منتقیدنش موضوعاتی که او به آنها توجه میکند ، همان قدر متنوع است که در اشیاء مورد علاقه بشر تنوع وجود دارد. تفکرات «راسکین» در بحث تاریخ هنرهای کاربردی و حتی معماری دارای اهمیتی بسزا است. «لاور» می نویسد: دنیای مدرن بیش از حد تصور به « راسکین» مدیون است ولو اینکه از اقرار به این مطلب ابا دارد. یکی از خدمات « راسکین» به جنبش اصلاح هنرهای کاربردی، مطالعات فرمال بر روی بعضی از عناصر طبیعی مانند صخره‌ها، درختان و ابرها است که تنها از جنبه علوم طبیعی و یا شناخت زیبایی انجام نمی‌گیرد. بلکه او سعی می کند با کمک علوم، ساختمان درونی آنها را که اساس تأثرات هنری است، مشخص کند، نقش‌های او هرچند که تحت نفوذ سبک« ترنر» و نقاشان رمانتیک طرح شده است گاه به طرزی عجیب« آبستره» می‌شود و به این ترتیب به مانند مقدمه‌ای برای مجموعه کارهای شاگردش « موریس» و تجسمات « آرت نوو» که به همین صورت از توجه به عناصر طبیعی ناشی می‌شوند، به شمار می‌آید.

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.

در اوایل قرن بیستم علم و ماشین سبب دگرگونیهای بزرگی در رابطه انسان شد. در این زمان خود را در مقابل طبیعت قرار داد و بیشتر با آن مقابله کرد. هنرمند نیز به جای آنکه ناظر دقیق طبیعت باشد خود را خالق اشکال و مناظر دانست و کوشید تا طبیعت را در اختیار خواسته ها و آرزوهای خود درآورد.

در این دوران از آنجا که دیگر طبیعت الگویی برای هنر به شمار نمی‌رفت. هنر به صورتی دشوار و پیچیده درآمد و محدودیتهای دنیای واقعی را رها کرد و تماماً به پژوهش و تفکر پرداخت.

از جمله گرایشهای قوی این دوران سبک کوبیسم بود. هنر کوبیسم با کار هنرمندانی آغاز گشت که به قدیمی‌ترین فرهنگهای مغرب زمین یعنی فرانسه و اسپانیا تعلق داشتند و رفته رفته معلوم شوم که تصور فضایی جدید از هنر ازمنه قدیم مایه گرفته است. عوامل اصلی هنر کوبیسم عواملی نبود که بتوان از آنها مستقیماً در معماری یا هنرهای کاربردی استفاده کرد. اما این شیوه ابتکار و تخیل هنرمندانه را قوتی جدید بخشید.

کار نخستین نقاشان شیوه کوبیسم محرک هنرمندان دیگر در کشورهای مختلف شد .

در فرانسه « لوکوبوزیه» و » اوزان فان»، در روسیه « مالویچ»، در مجارستان « مهلی ناگی» در هلند « موندریان» و « فن دئسبرگ» همه این هنرمندان از شیوه کوبیست متأثر شدند و کوشیدند از آن تعبیری منطقی ایجاد کنند و یا آنرا تصحیح کنند. نحوه کار این هنرمندان متفاوت بود اما نتیجه همه آنان به معماری راه برد.

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.

در سال ۱۹۱۷ «اوزان فان» و « ژانره» (نام اصلی لوکوبوزیه) دو نقاش جوان آن روز، در نقاشی متفق الرأی شدند و شیوه کار خود را « پوریسم» نامیدند. در مقایسه با شیوه‌های هنری قبل از آن یعنی « کنستر کتیویسم» در روسیه و « نئوپلاستی یسم» در هلند، پوریسم نزدیکترین شیوه به کوبیست و در عین حال به معماری بود.

موندریان، از هنرمندان بارز سبک نئوپلاستیسیسم، معتقد بود که اگر درست در طبیعت فرو رویم و از ظواهر آن بگذریم ، بنا و ساختمان اصلی و حقیقی چیزها بر ما « مشهود» خواهد شد و طبیعت با وجود تنوع، بی سامانی و آشفتگی ظاهریش حقیقتی بسیار مظم دارد و نظمی ریاضی در آن نهفته است که با تأمل و مکاشفه بر ما روشن می‌شود.

آثار او در معماری نیز تأثیری قوی گذاشت و در پیشرفت و رواج معماری ساده و هندسی با خطوط راست و زوایای قائمه و سطوح بی پیرایه کارگر شد. به این ترتیب در دوره مدرن معماری دارای ویژگیهایی شد که شکل ظاهری آن را هر چه بیشتر از اشکال طبیعی دور ساخت. ویژگی‌ای که تا امروز تأثیر خود را در معماری حفظ کرده است. در این دوره گرایش به زیبایی ماشینی و عملکرد گرایی و حذف هرگونه پیرایه تبلیغ می‌گردد و استفاده از فرم‌های آبستره به احجام و اشکل خالص، ساده و مکعبی و در مقایسه با معماری کلاسیک ایجاد فضاهای یکسان، یکنواخت و غیر پیچیده به اوج میرسد.

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.

انعکاس طبیعت در آثار هنری

تگاه طراح به پدیده‌های پیرامونی خود، تگاه کردن مشتاقانه به جهان و اجزای آن است. او با این تگاه تلاش می‌کند تا ساختار و زیر بنای اتچه را که می‌بیند و روابط منظم پدیده‌ها را کشف کند و مفاهیم پشت پرده واقعیات را آشکار سازد.

گاه می‌بینیم که هنرمندان به اشیاء پیش‌پا افتاده ارزش می‌بخشند. اغلب دیده‌ایم که اشیاء پیش پا افتاده و معمولی به دیده‌ی هنرمندان اصیل و خلاق معاصر پر اهمیت می‌نماید. فی‌المثل اشیایی مانند کاسه، پیت، بطری و لیوان بارها موضوع تابلوهای تقاشاتی چون « پیکاسو » و « ژو آن گری » تغمه سراسان کوبیسم و « لوکوربوزیه » بوده است. اشیاء طبیعی مثل: سنگ، ریشه‌ی درخت و حتی استخواتهای پوسیده تیز این هنرمندان را به خود می‌خواتند. اشیایی که به دیده ی ما بی اهمیت اتد به دست هنرمندان شکل و معنا می یابند و چناتکه لوکوربوزیه گفته است، سبب تأثیرات شاعراته می شوتد و یا به عبارت دیگر قسمتی تازه از جهان به عرصه ی احساس راه می یابد.

به راست کار هنرمندان از جهات بسیار بیه کار مخترع یا مکتشف است. هم هنرمندان و هم عالمان در جستجوی یافتن تازه‌هایی در جهان هستی هستند. فقط تفاوت در این است که کار هنرمندان از دتیای احساس و تأثرات مایه می‌گیرد. هنرمند خلاق ته در پی تقلید طبیعت است و ته می‌خواهد دیگران دتیا را از دیده‌ی وی ببینند. عمل هنرمند کشف ترکیبات، صور و مفاهیم جدید برای ساخت و غنای هر چه بیشتر دتیای احساسی دیگران است.

زیبایی طبیعت چیزی است بدیهی و بی‌تیاز از هر گوته اتبات. بر اتسان تأثیری عمیق می‌تهد و به عنوان محرک تیرومند هنر به شمار می‌رود. هنزمند در اثر تماس با طبیعت، تسبت به زیبایی آن بی‌تهایت حساس می‌شود. البته طبیعت، هماتگوته که عواطف مثبتی در اتسان پدید می‌آورد، موجد عواطف بسیار منفی در او تیز هست همچون جنگلی که چهره مخوف خود را آشکار کند.

هنرمندان همواره موضوعاتی فراتر از واقعیت عینی در طبیعت می‌یابند. آتان از شکوفایی بهار یا غم خزان صحبت می‌کنند. در آب روان، تشاتی از گذشت روزگار می‌بینند و هجوم حادته را به سیل خورشان، دشت غربت را به شب تیره و بی‌حاصلی عمر را به بیاباتی خشک تعبیر می‌کند.و به عنوان مثال، ادوارد موتش در مورد تابلوی فراید می‌گوید: « من در حال قدم زن در جاده، با دوستاتم بودم، خورشید غروب کرده بود و من احساس افسردگی می‌کردم، تاگهان آسمان، قرمز خوتین شد. ایستادم و به تردهای تکیه دادم، خیلی خسته بودم، به ابرهای شعله‌ور تگاه می‌کردم که مثل خون بودتد و برق شکست تور را روی خلیج و شهر می‌دیدم. »

رابط عاطفی با طبیعت آتچنان عمیق و به اشکال متنوعی که طبیعت در هنرهای گوتاگون از تقاشی گرفته تا ادبیات و شعر و حتی موسیقی بسیار وصف شده است. چایکوفسکی در قطعه « ۱۸۱۲ » دشتهای وسیع را توصیف می‌کند و در سمفوتی ششم بتهون، مناظر با صفای طبیعت تصویر می‌شود.

رئولدز معتقد است که: « وظیفه هنر آن است که زیبایی کلی و اصیلی را که در طبیعت است در خود تمودار سازد. » در حیطه هنر معماری و هنرهای وابسته به آن تیز به فراواتی به تقش عناصر طبیعی مواجه می‌شدیم که در بخشهای بعدی به آن خواهیم پرداخت.

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.